



پیام ولی امر مسلمین به حجاج بیت الله الحرام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم حج - 6 / خرداد / 1372

حضرت آیت الله خامنه ای ولی امر مسلمین بمناسبت برگزاری کنگره عظیم حج طی پیامی به حجاج بیت الله الحرام، زندگی در آیینی حج را یک ضرورت دائمی به سوی خدا توصیف کرده و فرموده اند: حج ابراهیمی همان حج محمدی است که در آن حرکت به سمت توحید و اتحاد، روح و سرلوحه ای همه مراسم و شعائر است و در آن مسلمین باید از تفرقه به جمعیت حرکت کنند و کعبه را که بنای یادبود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت پرستی است با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه بگیرند. ولی امر مسلمین در این پیام توحید را روح اساسی حج و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن دانسته اند و آورده اند:

توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجه و حرکت به سوی الله و رد و نفی بتها و قدرتهای شیطانی است و خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس اماره و هواها و هوسهای گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روشهای شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملت های مسلمان را دستخوش سیاست های خود ساخته اند و مراسم برائت در حج، اعلان بیزاری از این قدرتها است.

ولی امر مسلمین در بخش دیگری از این پیام، اتحاد و یگانگی مسلمین را یکی دیگر از مضمونهای برجسته ای مناسک حج توصیف فرموده اند و اظهار داشته اند: از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده که گاه با حربی اختلافات فرقه ای و گاه با ابزار ملی گرایی و قوم گرایی ظاهر شده است و متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربی دشمن هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی ضربه ها و جراحت هایی وارد می سازد. از اینرو شایسته است ملت های مسلمان انگیزه های خبیث این سیاستها را شناخته و دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنباش را در پشت سر آن ببینند و خیانتکاران را افشاء کنند.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به اینکه امروز در همه جای جهان مبارزه ی سرسختانه و توطئه آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است، اظهار داشته اند: نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علت پدیده شدت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می سازد و علت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست. حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیراسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده اند که باید نهضت تجدید حیات اسلام نامیده شود. اینک این نسل جوان و تحصیل کرده و برخوردار از معارف زمان است که بعکس توقع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها اسلام را فراموش نکرده، بلکه با ایمانی پرشور که با استفاده از پیشرفت معارف بشری، بسی روشن بینانه تر و ژرف تر نیز شده است، بدان روی آورده و گمشده ی خود را در آن می جوید. قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله ی این نهضت جوان و ریشه دار است که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است.

ولی امر مسلمین در قسمت دیگری از این پیام چگونگی مبارزه با بیداری اسلامی از سوی قدرتهای استکباری در کشورهای اسلامی همچون الجزایر، سودان، فلسطین، لبنان، جنوب عراق، کشمیر، هند، مصر و تاجیکستان را به اشکال گوناگون و با انواع قساوت و خشونت و تعرض به جان مقدسات مسلمین تسریح کرده اند و فرموده اند: از اینها همه بدتر، فاجعه ی بیسابقه ی نسل کشی مسلمین در بوسنی است. بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست - و اخیراً با همراهی کرواتها - با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمک های خارجی، زشت ترین و



غیرانسانی‌ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسلمانان یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می‌دهند و غرب و آمریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنان نکرده و هیچ ممانعتی از جنایت صربها نشان نداده‌اند، بلکه با استفاده از امکانات شورای امنیت از رسیدن سلاح به مسلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره‌ی آنان را کامل کرده‌اند و مسلمانان باید بدانند که آمریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه‌ی بی‌نظیر بوسنی، مقصر و مسئول مستقیم‌اند و در این یکسال مشتت حرف پوچ و وعده‌ی دروغ تحویل داده اما از کشته شدن حتی یک نفر از هزاران نفر کشته‌ی مظلوم آن سرزمین جلوگیری نکرده، و بالاتر، از قدرت دفاع یافتن آنان نیز ممانعت کرده‌اند.

ولی امر مسلمین اتحاد مسلمانان، پافشاری بر اسلام و ارزشها و اصول، مقاومت در برابر فشارها و تنگ کردن عرصه بر دشمن را تنها رمز نجات مسلمین و راه مقابله با دشمنی غرب و آمریکا با اسلام دانسته‌اند و فرموده‌اند: استکبار با همه تدابیر شیطانی‌اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیت همه جانبه‌ی سیاسی و امنیتی و بیش از همه، تبلیغاتی آمریکا و دیگر کشورهای استکباری و ایادی منطقه‌ای آنان به ضد نهضت اسلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضد نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران در سالهای اخیر، بیسابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده‌ی آمریکا در منطقه، در منتهای رذالت و خبائثتی که از آن انتظار می‌رود، ایفای نقش کرده است. محاسبات مادی عادی، حکم می‌کند که باید بر اثر این تلاش همه جانبه‌ای، که مستکبرانه و از سرخشم و عناد ترتیب می‌یابد، نهضت اسلامی در کشورهای اسلامی ضعیف یا ریشه‌کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت بمرور وسیعتر و عمیقتر شده است.

مقام معظم رهبری تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی را یکی از کارآمدترین حربه‌ی استکبار دانسته‌اند و فرموده‌اند: امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌ئی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدوری فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌ئی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را بر نیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم الشان در سراسر دنیای اسلامی و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران گفته و پخش شده است، روشن‌ترین دلیل این مدعا است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخش دیگری از این پیام خشم و دشمنی آمریکا و هر مستکبر دیگری را با جمهوری اسلامی ایران ناشی از اعتقاد این نظام به اصول مسلم اسلامی دانسته‌اند و اظهار داشته‌اند: جدا نبودن دین از سیاست، استقلال سیاسی و تسلیم‌ناپذیری در برابر زورگویی‌های ابرقدرتها، اعلام لزوم انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، حمایت معنوی و سیاسی از نهضت‌های اسلامی، تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم، دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم دیگر انبیای الهی، مقابله با توطئه رواج دادن اهانت به مقدسات اسلام، تلاش در جهت تثبیت اقتدار ملت‌های مسلمان در قالب امت بزرگ اسلامی، رد و نفي فرهنگ تحمیلی غرب و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان و همچنین مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی از نمونه مسائلی است که موجب دشمنی کینه‌آلود آمریکا و همپالگی‌هایش با جمهوری اسلامی شده است.

ولی امر مسلمین در پایان پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام توصیه فرموده‌اند که از فرصت حج حداکثر استفاده را



برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و انس با قرآن و تدبر در آیات و بینات آن و دعا و تضرع و توسل را که مایه تقرب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة علي رسوله النبي الامين و علي آله الميامين و اصحابه المنتجبين و السلام علي جميع عبادالله الصالحين. قال الله الحكيم:

و اذبو انالابراهيم مكان البيت ان لاتشرك بي شيئاً و طهر بيتي للطائفين و القائمين و الركع السجود.
بار دیگر اراده‌ی نافذ الهی، مؤمنین را در زادگاه توحید و بارگاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه‌ی دلها و در ساحت قبله‌ی جانهای مسلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: و اذن في الناس بالحج، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسلمان فائق آمده و انبوه دلهایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می‌تپند، به سوی مرکز توحید و وحدت امت کشانیده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سعی کرده است خانواده‌ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه‌ی اعتقادی‌اش و هم از علقه و پیوند فیما بین ایمانی‌اش جدا کند، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه‌ی حج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده‌ی کهنسال و ریشه‌دار تزییق می‌کند و هر سال شکوفه‌های تازه‌ی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودت اسلامی را، نوید می‌دهد، و ساخته‌های دست دشمن را باطل می‌سازد. این معجزه‌ی حج است که علیرغم وجود درگیریه‌ها و منازعاتی که، در آن، حکومت‌های مسلمان بارها در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملت‌های مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملتها همواره رو به افزایش بوده است.
اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اول، در آن باز می‌شناسد: نخست آنکه حج، یگانه فریضه‌ای است که خداوند برای ادای آن همه‌ی آحاد مسلمین - هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد - از سراسر عالم و از خلوت خانه‌ها و عبادتگاهها، به یک نقطه فرا می‌خواند و در ایام معلومات، در گونه‌گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می‌زند: ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحيم.
دوم آنکه در همین کار دستجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می‌کند: و يذكرو اسم الله في ايام معلومات علي مارزقهم من بهيمة الانعام. سوم آنکه در صفحه‌ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمایی کلی زندگی انسان موحد را عرضه می‌کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف‌دار و جهت‌دار می‌دهد.

از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سعی میان صفا و مروه و وقوف در محشر عرفات و مشعرو ذکر و تضرع و تعارفی که در آن است، و تا رسیدن به منا و قربانی‌اش و رمی جمره‌اش و حلقش و سپس دوباره برگشتن به طواف و سعی ... همه و همه درس‌های رسا و روشن حرکت جهت‌دار و دستجمعی و معرفت‌آمیز مسلمان، در عرصه‌ی توحید در مسعای حیات و بر گرد محور الله است. زندگی در آیینه‌ی حج یک سیر دائمی بلکه یک سیورورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده‌ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و رسم زندگی ما را در صحنه‌ای عملی و روشن ترسیم می‌کند.

میعاد‌ی همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سالهای بعد گروه‌های دیگر و گروه‌های دیگر بیایند و بروند بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبر کنند، و در نهایت همه‌ی امت،



به آنچه خدا خواسته و دین آموخته برسند.

نظر افکندن به عرصه‌ی عظیم زندگی امت اسلامی، فراتر از ابعاد ملت‌ها و نژادها و قوم و قبیله‌ها، و نظرافکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه‌ی زندگی، چنانکه شایسته‌ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا ... این است آن سرچشمه‌ی معرفتی که هر ساله در حج، فیاض و بی‌زوال، برانبوه خلاق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می‌یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می‌سازد.

در گذشته و امروز، نیز کوشش‌هایی شده است، می‌شود تا حج را فریضه‌ای فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند. بگذریم از آن غفلت‌زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتي نگاه می‌کنند. حج با برجستگی‌هایی که در هیچ فریضه‌ی دیگر اسلامی، مجموعه‌ی آن را نمی‌توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ‌نظرانه‌ی آنان و نگاه بی‌فروغ و خطابین اینان است.

در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده‌ای اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حج ابراهیمی را ندا کرد و خلاق را بدان فراخواند. و یکبار دیگر صلاهی: اذن فی الناس بالحج را به گوش جهانیان رسانید.

حج ابراهیمی همان حج محمدی است که در آن، حرکت به سمت توحید و اتحاد، روح و سرلوحه‌ی همه‌ی مراسم و شعائر است، حجتی مایه‌ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امت واحده، حجتی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجتی که در آن ملت‌های مسلمان، وجود امت فراگیر محمدی صلی الله علیه و آله و حضور خود در آن را لمس می‌کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملت‌ها، از احساس ضعف و عجز و خودباختگی رها می‌شوند.

حج ابراهیمی، آن است که در آن مسلمین، از تفرقه به جمعیت حرکت کنند و کعبه را که بنای یادبود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت‌پرستی است با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره‌ی مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه بگیرند.

اکنون اینجانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حج شما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبر در مناسک حج را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه‌ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکرا عرض می‌کنم:

1- نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسی حج و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجه و حرکت به سوی الله و ردو نفی بتها و قدرتهای شیطانی است. خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس اماره و هواها و هوس‌های گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه‌انگیز و فسادانگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روش‌های شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملت‌های مسلمان را دستخوش سیاست‌های خود ساخته‌اند. مراسم برائت در حج، اعلان بی‌زاری از این قدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت‌آمیزی می‌تواند در زندگی جوامع مسلمان، نشانه‌ی سلطه‌ی قدرتها یا تلاش آنان بر تسلط بر کشورهای اسلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین‌المللی و موضعگیری در برابر حوادث عالم، همسو و تحت تأثیر قدرتهای سلطه‌گر و در رأس آن آمریکا است. رواج فساد و رسمی بودن فحشاء و محرمات شرعی در بسیاری از این کشورها، متأثر از سیاست‌های شیطانی آن قدرتها است. وظیفه‌ای که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حجگزار لازم می‌سازد، ابراز برائت و بی‌زاری از اینهمه است، و این اولین قدم، در راه تجسم اراده‌ی اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه‌ی جوامع اسلامی است.

2- مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته‌ی دیگری از مناسک حج است. از آغاز ورود استعمار اروپایی، به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه، میان مسلمین



بوده است. گاه با حربیه‌ی اختلافات فرقه‌ای و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربیه‌ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی، ضربه‌ها و جراحتهایی وارد می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و آفریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج‌فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف گاه، به آنجا می‌رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملت‌ها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم‌نمایان صریحاً فتوای کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشانشان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملت‌های مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنباش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشاء کنند. 3- نکته‌ی مهمی که شایسته است همه‌ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه‌ی سرسختانه و توطئه‌آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه‌های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملاً شناخته شده است، ولی می‌توان گفت که شیوه‌های متنوع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیداً قساوت‌آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده‌ی این روزگار است.

نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علت این پدیده، یعنی شدت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می‌سازد. علت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست. حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه‌ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیراسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده‌اند، که باید نهضت تجدید حیات اسلام نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها اسلام را، فراموش نکرده، بلکه با ایمانی پرشور، که با استفاده از پیشرفت معارف بشری، بسی روشن‌بینانه‌تر و ژرف‌تر نیز شده است، بدان روی آورده و گمشده‌ی خود را در آن می‌جوید. قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله‌ی این نهضت جوان و ریشه‌دار است، که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است.

این آن چیزی است که جبهه‌ی استکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقاید و مقدسات ملت‌ها پرهیز می‌کرد، وادار می‌سازد که در مبارزه با اسلام، علناً و با همه‌ی روش‌های ممکن، و گاه قساوت و خشونت وارد میدان شود. در آمریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می‌توان شناخت که حداقل یکبار در گفته‌های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسته و مبارزه با آن را لازم شمرده‌اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسلمان، به ایمان و عمل اسلامی گسترده‌تر شده، این اظهارات ناشی از سراسیمگی و دشمنی، واضح‌تر گردیده است و اکنون کار به جایی رسیده که حتی رؤسا و سیاستمداران بعضی از کشورهای اسلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسلام را در زیر پوششی از نفاق پنهان می‌کردند، به پیروی از اربابان آمریکایی و اروپایی‌شان علناً و صریحاً از خطر اسلام دم می‌زنند! و ایمان مقدس مردمی را که بر آنان فرمان می‌رانند، برای خود خطر می‌شمرند.

مبارزه با بیداری اسلامی در سطح جهان، شکل‌های گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملاً دموکراتیک به حاکمیت جبهه‌ی اسلامی رأی می‌دهند، کودتایی خشن، انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می‌کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر - آمریکا و اروپا - نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می‌گیرند و دست پنهان خود در آن را افشاء می‌کنند. در سودان گروه‌های اسلامی با پشتیبانی قطع ملت به حکومت می‌رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می‌کند و از داخل و خارج



مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می‌کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان را سوي صهیونیست‌های غاصب به وحشیانه‌ترین وجهی سرکوب و شکنجه می‌شوند، آنگاه آمریکا، آن آدم‌کشان ددصفت و شکنجه‌گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می‌کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملت عراق، که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه‌ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته‌اند، از سوي آن رژیم مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌گیرند، و آمریکا و غرب، که انگیزه‌ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدام را در قضایای دیگر، آشکارا نشان داده‌اند، اینجا با سکوتی رضایت‌آمیز و تشویق‌کننده ظاهر می‌شوند. در کشمیر و هند، تعصب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدسات مسلمین تعرض می‌کند و این با خونسردی و لبخند بی‌تفاوت آمریکا و غرب مواجه می‌شود. در مصر روشنفکرترین نسل‌های مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم‌آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می‌گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امنیتی آمریکا قرار می‌گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه‌ی اسلام، به وسیله‌ی پس مانده‌های رژیم کمونیستی، بشدت سرکوب و جمع‌کثیری از آنان از خانه و کشانه‌ی خود آواره می‌شوند و غرب با همه‌ی دغدغه‌اش از بازگشت کمونیست‌ها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می‌شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیسم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می‌گیرد. در آمریکا و اروپا مسلمانان و گروه‌های اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می‌گیرند و در مواردی تظاهر به پایبندی‌های اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می‌گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب کتابی تحریم شده و بوسیله‌ی نویسندگانی مهدورالدم مکرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم‌های اروپایی قرار می‌گیرد و حتی رئیس رژیم بدنام و بدسابقه‌ی انگلیس، با آن نویسنده‌ی قلم‌بمزد و بی‌ارزش ملاقات می‌کند.

از اینها همه بدتر، فاجعه‌ی بیسابقه‌ی نسل‌کشی مسلمین در بوسنی است بیش از یکسال است که صرب‌های نژادپرست - و اخیرا با همراهی کروات‌ها - با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمک‌های خارجی، زشت‌ترین و غیرانسانی‌ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می‌دهند، و غرب و آمریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنان نکرده و هیچ ممانعتی از جنایت صرب‌ها نشان نداده‌اند، بلکه با استفاده از امکانات شورای امنیت از رسیدن سلاح به مسلمان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره‌ی آنان را کامل کرده‌اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند، که آمریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه‌ی بی‌نظیر بوسنی، مقصر و مسئول مستقیم‌اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده‌ی دروغ تحویل داده اما از کشته شدن حتی یک نفر از هزاران نفر کشته‌ی مظلوم آن سرزمین جلوگیری نکرده، و بالاتر، از قدرت دفاع یافتن آنان نیز ممانعت کرده‌اند.

این تصویر مجملی از دشمنی غرب و آمریکا با اسلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راه‌هایی که بعضی ساده‌لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می‌کنند، گره‌گشا و مایه نجات مسلمین نیست. تنها یک چیز علاج است و بس، و آن اتحاد مسلمانان، پافشاری بر اسلام و ارزش‌ها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنگ کردن عرصه، در بلند مدت بر دشمن است. و امروز چشم امید دنیای اسلام، به جوانان غیور و بسیجی در سراسر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

4- نکته‌ی مهم دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه‌ی تدابیر شیطانی‌اش و با وجود بکارگیری زور و ترغیب سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیت همه جانبه‌ی سیاسی و امنیتی و بیش از همه، تبلیغاتی آمریکا و دیگر کشورهای استکباری و ایادی منطقه‌ای آنان ضد نهضت اسلامی در کشورهای مختلف و از جمله برضد نظام



مقدس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بیسابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده‌ی آمریکا در منطقه، در منتهای رذالت و خبائتی که از آن انتظار می‌رود، ایفای نقش کرده است. محاسبات مادی عادی، حکم می‌کند که باید بر اثر این تلاش همه‌جانبه‌ای، که مستکبرانه و از سرخشم و عناد ترتیب می‌یابد، نهضت اسلامی در کشورهای اسلامی ضعیف یا ریشه‌کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت بمرور وسیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسلامی متعددی را، می‌توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعالان اسلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهند کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورها فعالیت گروههای اسلامی و حتی تظاهرات سیاسی و تبلیغاتی اسلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سرزمینهای غصب شده‌ی فلسطین مبارزات مردم، با شعارهای اسلامی و با مرکزیت مساجد، عرصه را بر صهیونیست‌ها تنگ کرده است، و در همین سالها است که گروههای مبارز اسلامی در لبنان، حتی در انتخابات پارلمانی و نیز در موقعیت‌های مردمی به توفیق چشم‌گیری دست یافته‌اند. و در همین دوره‌ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده‌لوحانه انتظار داشتند یا به بن‌بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم‌پوشد، با سرعتی بیش از توقع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است.

اینجانب به برادران و خواهران مسلمان در همه جای جهان اسلام، عرض می‌کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن‌بینی، نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه‌ی نومیدشدن نمی‌دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لاقلاً می‌توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می‌بینید که نتوانسته است. سنت‌های الهی و واقعیت‌های خارجی خبر از آینده‌ی روشن نهضت نوین اسلامی می‌دهند و قرآن بارها می‌فرماید: *والعاقبه للمتقين*.

5- تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بیشک کارآمدترین حربه‌ی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌ای که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌ای مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را بر نیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم الشان در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملت‌های مسلمان، روشنگریهای علماء و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعال و آگاه است. و همه بخصوص علماء متعهد دین در این مورد وظیفه‌ای بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌ای از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمت‌ها امروزه به هم‌هی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می‌شود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان بنیادگرایی نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیت با دموکراسی، تهمت تزییع حقوق زنان، تهمت ضدیت با صلح و طرفداری از جنگ.. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمت‌ها و بیشرمی وارد کنندگانش آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می‌شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا 14 ماه پس از آن، دو همه پرس‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران،

جمهوری اسلامی را بعنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروه‌های تروریست ضدانقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند و حقوق‌بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده‌اند. ضدیت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در هم‌هی آن مدت، انواع کمک‌ها را به آن رژیم که بخاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می‌رفت مبذول داشته‌اند.

تضییع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حد شرعی، در برترین فعالیت‌های کشور شرکت می‌ورزد، نمی‌پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مردم و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند.

تهمت نقض حقوق بشر را رژیم‌هایی متوجه ایران می‌سازند که خود قلم‌های بزرگ و حیرت‌انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می‌شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق یک ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهارصد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران بوسیله‌ی آمریکا بر فراز خلیج فارس، یا بیعدالتی نسبت به سیاهان در آمریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزائر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزانیدن دستجمعی عده‌ای در آمریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که اینگونه بی‌محابا حقوق بشر را پایمال می‌کنند یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی‌تفاوت بلکه رضایتمندانه و تشویق‌آمیز تماشا می‌کنند، حقیقتاً از اینکه بنا به ادعای آنان در ایران اسلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتند؟! حقیقت آن است که خود تهمت زندگان و از جمله سردمداران کنونی آمریکا که اخیراً بر سر این حربه‌ی تبلیغاتی زنگ زده و قدیمی، جنجال تازه‌یی به راه انداخته‌اند، بخوبی می‌دانند که سخن به گزاف می‌رانند، آنچه آنان از جمهوری اسلامی نمی‌پسندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصلحت سیاسی به آنان اجازه نمی‌دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشکار می‌سازد.

در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که آمریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می‌سازد اینها است: اول - جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوم - استقلال سیاسی این نظام، بمعنای تسلیم ناپذیری‌اش در برابر زورگویی‌های معمول ابرقدرتها. سوم - اعلام راه حل مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مسئله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و یهودیان در فلسطین. چهارم - حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم. پنجم - دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدسات، نظیر آنچه در باب نویسنده‌ی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد. ششم، تلاش برای اتحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملتهای مسلمان در قالب امت



بزرگ اسلامی. هفتم، رد و نفي فرهنگ تحميلي غرب، که دولتهای غربی با تنگ نظری و تعصب، برآند که همهی ملت‌های عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم، مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی، که بعضی از دولتهای غربی بخصوص آمریکا و انگلیس اخیراً انحرافی‌ترین شکل آن را بیشرمانه رسمیت داده یا در راه آند، و از دهها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.

اینها است آنچه موجب دشمنی کینه‌آلود آمریکا و همپالگی‌هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی در چشم ملت‌های مسلمان که همه دلبسته‌ی این اصول‌اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متهم می‌کنند و از سویی دیگر با تحلیل‌های دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می‌سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است!

این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه‌گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمدی (صلي الله عليه و آله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرائطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان الله عليه) و در رأس آن، اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

6- در پایان، به حجاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حج، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلغان و پیام‌رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت‌خانه‌ی خدا و حرم پیامبر اعظم (صلي الله عليه و آله و سلم) و موافق با ارزش حج و سرزمین پرخاطره‌ی حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول الله (صلي الله عليه و آله) و عترت طیبه‌ی آن بزرگوار (عليهم السلام) و بخصوص توجه و توسل به حضرت ولی‌الله‌الاعظم که بیشک فیض حضور مقدسش در مراسم حج شامل دل‌های با معرفت است، و انس با قرآن و تدبر در آیات بینات آن و دعا و تضرع و توسل که مایه تقرب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوت و عزت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علو درجات روح مطهر امام راحل و ارواح طیبه‌ی شهدای اسلام را از خداوند مسئلت نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله

ذی الحجه الحرام 1413

علی‌الحسینی‌الخامنه‌ای